

شهرباغ، ساختار شهری شیراز قدیم

مهدی شیبانی

استاد گروه معماری منظر، دانشگاه شهید بهشتی

M_Sheybani@sbu.ac.ir

حسین پروین

پژوهشگر دکتری معماری منظر، دانشگاه تهران

hosseinparvin@gmail.com

فهیمة فرنوش

کارشناس ارشد معماری منظر، دانشگاه تهران

fahimeh.farnoush@gmail.com

چکیده

در شهرهای قدیمی ایران، ساختار شهر با توجه به منابع آب شکل گرفته است. در این میان نقش باغ در شکل‌گیری ساختار شهرهای ایران کلیدی و مهم است. عامل آب و زیرساخت سبز، از مهم‌ترین اجزا شهر ایرانی است. این دو عامل، ساختارهای متفاوت و در عین حال هم‌راستایی در شهرهای ایران ایجاد کرده است. فضاهای سبز شهری، علاوه بر ایجاد سبزی‌نگی در داخل شهر، اطراف آن را نیز پوشش می‌دهد. نتیجه آن ایجاد یک خرد اقلیم مناسب، در میان اقلیم نامناسب است. در عین حال این فضاهای سبز، عامل تولید نیز به حساب می‌آمده است. واحدهای تولیدی کوچک و بزرگی نه تنها اقتصاد شهری را تأمین می‌کردند، یک منظر شهری را نیز به وجود می‌آوردند، در واقع شهر، شهری پایدار بوده است.

پژوهش حاضر به دنبال کشف این رابطه در شهر شیراز است تا بتواند به یکی از الگوهای ساختار شهر ایرانی دست پیدا کند. در این پژوهش به روش اکتشافی، مبتنی بر مشاهدات میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای، اطلاعات لازم گردآوری و تحلیل شده است. نتایج حاصله، حاکی از یک اکوسیستم پایدار شهری بوده که چرخه کاملی از آب و گیاه و شهر را شکل می‌دهد که علاوه بر ایجاد خرد اقلیم مناسب، منظر زیبا و پایدار شهری را نیز به وجود آورده است.

واژگان کلیدی

شهرباغ، باغ شهر، شیراز، منظر شهری.

مقدمه

با نگاهی گذرا به شهرهای امروزی ایران، به راحتی می‌توان دریافت که طی چند دهه اخیر تغییرات حادث شده در ساختار شهرهای ما، نه تنها نشانی از سنت ندارد، بلکه پاسخگوی نیازهای روز نیز نیست. عملاً بعد از هجمه مدرنیسم به ایران و تحت تأثیر شهرسازان مدرنیست، ساختار شهرهای سنتی ما که پاسخگوی نیازهای انسان ایرانی بوده را به کلی تغییر داد و به شکل امروزی درآورد. شهری که بدون هویت، بی‌توجه به منابع، غیرمولد، آلوده، آلاینده و در یک کلام، ناپایدار است. درحالی‌که شهرهای ما تا همین چند دهه پیش نه تنها هیچ یک از این مشکلات را نداشت، بلکه به راحتی برای هر کدام از آن‌ها یک راه حل داشت. به عنوان مثال شهرهای ایران بر پایه منابع آبی شکل گرفته و توسعه یافته‌است. مولدبودن یکی از اصول زندگی گذشتگان ما بوده‌است. درحالی‌که شهرهای امروزی ما هیچ نشانی از این سبک زندگی ندارد. پس در واقع ما از یک شهر

پایدار، به یک شهر ناپایدار رسیده‌ایم. حال سوال اینجاست که آیا شهر ایرانی، اساساً از الگوی خاصی پیروی می‌کرده‌است؟ و اگر الگویی وجود داشته، آیا می‌توان با تکیه بر آن شهرهای امروزی را سامان داد؟ در این مقاله تلاش شده تا با بررسی شیراز قدیم، به یک نمونه از الگوی شهر ایرانی دست پیدا کرد. برای نیل به این هدف، ابتدا مختصری در مورد باغ شهرهای ایرانی توضیح داده شده‌است. بعد از آن در مورد تاریخ شیراز مطالبی آورده شده که با توجه به از بین رفتن بسیاری از منابع و شبکه توزیع آب شیراز، جهت تخمین، حدود این منابع و شبکه ضروری به نظر می‌رسد. سپس در خصوص شبکه آبرسانی شهری بحث شده و در نهایت به باغات پرداخته شده‌است.

باغ شهر ایرانی

آیین و کیش کهن ایرانیان به کشاورزی و باغ‌سازی اهمیت خاصی داده و آن را ستایش کرده‌است. چنانکه در وندیداد، فرگرد سوم، فقره ۳۳ می‌خوانیم که زرتشت به اهورامزدا می‌گوید: ای آفریننده جهان مادی! ای یگانه پاک! چهارمین کسی که زمین را به بالاترین درجه وجد آورد کیست؟ اهورامزدا پاسخ می‌دهد: آن کس که بیشترین مقدار گندم کشت کند و بیشترین سبزی‌ها بکارد و بیشترین درخت‌ها بنشانند و کسی که زمین خشک را آب دهد و زمین خیس (باتلاق) را بخشکاند و زیر کشت ببرد (پیرنیا، ۱۳۸۷). «استروناخ» در گزارش کاوش‌های خود در باغ سلطنتی پاسارگاد، مطرح می‌کند که کوروش به نحوی قصد داشت که یک پایتخت پر باغ بسازد. همچنین بنا به تحقیقات انجام شده، معلوم شده‌است در زمان ساسانیان نیز شهرهای پر از باغ ساخته شده‌بود. در زمان عباسیان، برحسب طراحی برگرفته از ساسانیان، از مدل یکسان باغ اندر باغ استفاده شده است. براساس پژوهش‌های انجام شده، باغ شهر یکی از اصلی‌ترین الگوهای شهرسازی ایران در دوره صفویه است که شکلی منطقی به خود می‌گیرد و این الگوی تأسیس یا توسعه شهر بر مبنای باغ‌سازی در باغ‌شهر قزوین و باغ شهر اصفهان قابل مطالعه است (شاهچراغی، ۱۳۸۹).

باغ شهر صفوی

«باغ-محور» محورهای ساختاری شهری تأثیرپذیرفته از باغ، یک عنصر شهری شاخص در شهرهای دوران صفویه است (عرب سلغار، ۱۳۹۴). باغ‌شهر اصفهان یکی از کامل‌ترین تجربیاتی است که در زمینه

طرح‌اندازی شهری در حدود چهارصد سال قبل در کشور ما جامه عمل پوشیده‌است. با این طرح‌اندازی ساختار منظم اصلی شهر جدید، خارج از شهر قبلی، از طریق کاربرد اصول باغ اندر باغ و همچنین تقسیم عمده شهر بر اساس دو محور ایجادکننده چهارباغ عظیم شکل می‌گیرد و تنها با میدان اصلی جدیدالاحداث و بازار قیصریه، با مداخله‌ای حساس ولی کم‌آزار، با شهر قدیم پیوند می‌یابد. در تمام دوران صفویه توسعه درون شهر جدید از نظم و رابطه ساختاری میان باغ و شهر تبعیت می‌کند. همچنین این نوع طرح‌اندازی در دوران صفویه، یعنی ایجاد شهر جدید در باغ‌های حومه شهر قدیمی و تبعیت از پیوند ساختاری میان باغ و شهر از جمله در شیراز دوره حکومت الله‌وردی خان، در طبس و همچنین در کاشان قابل رویت است. این مدل طرح‌اندازی در باغ شهرهای کاملاً جدید دوره شاه عباس صفوی، از جمله اشرف، به شهر کنونی و فرح‌آباد ساری کاملاً رعایت شده‌است (شاهچراغی، ۱۳۸۹).

تاریخ شیراز

شیراز، حیات شهری خود را وام‌دار حضور باغ‌ها، چه به صورت باغ-محور و چه به صورت باغ‌های حکومتی بوده‌است (عرب سلغار، ۱۳۹۴).

در بیشتر شهرها و روستاهای ایران باغ‌های زیبا و ارزشمند وجود دارد، ولی معدودی از آن‌ها دارای قدمت بیش از دو تا سه سده و درختان کهنسال فراوان و ساختمان‌های قدیمی است. شیراز شاید صاحب بیشترین تعداد از این باغ‌ها است که از لحاظ عمر طولانی و اهمیت بنا، قابل توجه است. اصولاً خاک شیراز استعداد زیادی برای پرورش باغ و رشد درخت دارد، از این رو احداث باغ در این

ساختار شهری شیراز در دوره صفوی بر محور جدیدی که به موازات محورهای «آل بویه» و «تابکان فارس» قرار داشت شکل گرفت. این محور در شرق از «مدرسه خان» شروع شده و به «میدان شاه» صفوی در غرب منتهی می‌شد. در این زمان، محور دیگری به صورت چهارباغ احداث شد که از «دروازه اصفهان» تا «تنگ الله اکبر» امتداد می‌یافت. در دوران صفویه، علاوه بر محورهای حکومتی ذکر شده در قسمت‌های قبل، دو باغ-محور مهم در ساختار فضایی شهر شیراز شکل گرفته‌است. محور اول از تنگ الله اکبر (دروازه قرآن) در شمال شهر آغاز و به مسجد علی‌ابن‌حمزه ختم شده و محور دوم، از باغ حکومتی صفویه آغاز و به باغ شاه در کنار دروازه شاه در غرب شهر منتهی شده‌است.

تاورنیه می‌گوید: «دروازه شهر به خیابان بسیار زیبایی منتهی می‌شود که پهنای آن پنجاه پا است. در دو سوی این خیابان باغ‌هایی که هر یک دارای سردر و مدخل باشکوهی بوده با طاق نیم‌گنبدی افزاشته شده‌است. بر فراز هر سردر، یک کلاه‌فرنگی ساخته شده‌است. درهای باغ از دو سو مقابل هم قرار گرفته و قرینه‌بودن آنها وضع جالبی پدید آورده‌است. در وسط این خیابان حوض بزرگ مربع شکلی است که لبه‌های آن از سنگ مرمر ساخته شده و همیشه پر از آب است. پهنای این حوض به اندازه عرض خیابان است و برای اینکه بتوان از دو طرف آن گذشت سردر باغ‌های دو سو، به اندازه سی پا عقب نشسته‌است».

در جای دیگری نیز گفته: «در دوره صفویه، نقطه آغاز این محور، باغ حکومتی قرار گرفته در میدان شاهی بود و به باغ‌شاه که خارج از شهر قرار داشت، منتهی می‌شد. باغ‌های رجال و درباریان در اطراف این محور، آن را تکمیل می‌کرد. از شیراز که خارج می‌شود، در طرف شمال‌غربی یک خیابان بزرگ دیده می‌شود و به باغی که موسوم به باغ شاه است منتهی می‌شود. روی سردر این باغ یک عمارت زیبا وجود دارد و در طرف چپ آن عمارت یک دریاچه بزرگ دیده می‌شود. از این باغ تا کوه یک جلگه فاصله است که دو فرسنگ طول و یک فرسنگ عرض دارد، تمام این جلگه تاکستان بوده و به خرده مالک تعلق داشته، هر کس دور تاکستان خود را چهاردیواری کشیده است».

در دوران زندیه، کریم‌خان زند، باغ-محور شمالی شهر را تکمیل کرد. به جای خیابان چهارباغ صفوی، خیابانی ساخت که وسطش مشجر بود، درختان بسیار داشت و اطراف آن را باغ‌های بسیاری زینت می‌داده‌است. کریم‌خان زند برای آبرسانی به مجموعه باغ‌های این محور، آب قنات رکن‌آباد را از شمال شهر به وسیله آبروهای زیرزمینی و سازه‌های آبی به این محور منتقل کرد که در خاک‌برداری‌های دوران معاصر، سازه این آبروها نمایان شد (عرب سلغار، ۱۳۹۴).

شهر به سهولت امکان‌پذیر است و کاریزهای بیشمار کهن هم آب لازم را تامین می‌کند. دامنه کوه‌های شمال و مغرب و سراسر دشتی که پیرامون شیراز را فراگرفته همواره پوشیده از باغ‌ها و گلزارها و کشتزارها بوده‌است. مردم شیراز دشت‌های سرسبز اطراف شهر را صحرا گویند.

واژه صحرا که به معنی بیابان بی‌آب و علف بوده در لهجه شیرازی به معنی دشتی سبز و خرم است که در مقابل باغ قرار می‌گیرد. در سده‌های گذشته باغ‌های شیراز تقریباً به‌طور پیوسته از دامنه کوه‌های سعدیه و تنگ آب‌خان در شمال شرقی شهر تا قصرالدشت و مسجد بردی در مغرب شهر ادامه داشته و در داخل شهر نیز غالباً خانه‌ها و سراها دارای بوستان‌ها و گلزارهایی بوده‌است (نعیما، ۱۳۹۰).

مکانیابی باغ‌های شهری و برون شهری شیراز قدیم تابع دو مؤلفه اصلی بوده‌است: یکی شیب زمین و منابع آب که امری ناگزیر است و دیگری محورهای ساختاری شهر که هریک از سلسله‌های حکومتی شیراز به عنوان نماد اقتدار و حاکمیت خود در شهر ایجاد می‌کرده‌است. عملیات عمرانی حاکمان هر دوره برای تثبیت حکومت خود طی سه مرحله اصلی انجام می‌شده‌است: ایجاد منبع آب که از شیب زمین تبعیت می‌کند، ایجاد مرکز شهر، مسجد، بازار، کاخ و باغ و ایجاد محورهای حکومتی برای انسجام ساخت فضایی شهر. علاوه بر محور طولی شهر که منطبق بر مسیر بازار بوده و «دروازه اصطخر» را در شمال شهر به «دروازه اسلام» در جنوب ارتباط می‌داده‌است، چهار محور عرضی در چهار دوره حکومتی ذکر شده، فضاهای حکومتی را در غرب شهر به فضاهای مذهبی در شرق متصل می‌کرده‌است. جهت این محورها به موازات مسیر «قنات عضدی» است که «عضدالدوله دیلمی» برای آبرسانی به مجموعه بناهای حکومتی خود احداث کرد. در هر دوره، یک محور حکومتی که با عنصر کاخ و باغ منضم به آن آغاز شده و به یک عنصر مذهبی ختم می‌شود، حاکم بر سایر نظام‌های شهری بوده‌است. نکته مشترک این چهار محور، عنصر آغازین آن، مجموعه حکومتی دیوانی منضم به باغ حکومتی بوده‌است. در دوره صفویه، دو باغ در محور شمالی و غربی شهر شکل می‌گیرد که از یک سو نمایش‌دهنده اصول باغ‌سازی صفویان برای هویت بخشی به ورودی‌های شهر (دروازه اصطخر و دروازه باغ شاه) بوده و از سوی دیگر جهت بخش توسعه شهر در دوران زندیه و قاجار و پهلوی است.

عناصر اصلی ساختار یک شهر را می‌توان به طور سلسله مراتبی چنین دسته‌بندی کرد: الف) مرکزیت یا هسته؛ ب) ساختار شهر؛ ج) کل‌های کوچک. عنصر شاخص ساختار در اغلب حالات «معبّر» است.

آبرسانی شیراز

مهمترین منابع تأمین آب شهر شیراز از دیرباز قنات‌ها بوده است. آبی که از طریق بارش بر دشت و کوه به سفره‌های زیرزمینی راه می‌یافت، با قنات به حوالی شهر منتقل می‌شد، مظهر این قنات‌ها معمولاً خارج از باروی شهر بود. از آن پس، این آب‌ها به صورت نهر و جداول آب در داخل شهر توزیع می‌شد و همه شهر را بهره‌مند می‌کرد. توپوگرافی شهر تاریخی شیراز و کوه‌های پیرامون آن حوزه‌ای بسته را پدید آورده است که فقط از طریق تنگ‌ها و معابر طبیعی دیگر به خارج راه دارد. ارتفاع این حوزه به تدریج از باختر به سوی خاور کاسته شده و در دریاچه مهارلو به حداقل نسبی می‌رسد. آب حاصل از بارندگی و نیز آب‌شدن برف قنات‌ها به دو بخش تقسیم می‌شود: آبی که در مسیل می‌افتد یا از طریق رودخانه جریان می‌یابد یا در زمین فرو می‌رود. آبی که در سطح رودخانه فصلی خشک‌رود جاری می‌شود به دلیل کم و موقتی بودن قابل شرب نیست. اما آبی که در زمین جلگه شیراز و اطرافش فرو می‌رود، در لایه‌های رسی نفوذناپذیر به صورت آب زیرزمینی جریان می‌یابد. این آب از سوئی، بر اثر فشار در نقاط مختلف موجب ایجاد چشمه‌ها، قنات و برم‌ها می‌شود و از سوی دیگر، به سبب شیب جلگه، در قسمت خاور و جنوب خاوری حوزه، در چاه‌های کم‌عمق و گاه به صورت رطوبت سطحی نمایان می‌شود.

مادرچاه قنات‌های شهر از سفره‌های آبی تغذیه می‌کنند که به خصوص در کوهپایه‌های شمال و شمال‌غربی غنی است. به دلیل بالابودن لایه نفوذناپذیر زمین و بالابودن سطح سفره‌های آب زیرزمینی، مظهر آب بیشتر قنات‌های شمال و شمال‌غربی پیش از رسیدن به محدوده شهر بوده است و از آن پس آب این قنات‌ها به صورت نهر جریان یافته و توزیع می‌شود. ضریب پایین نفوذپذیری زمین و در عین حال شیب کم سطح شهر باعث می‌شد که همواره دفع آب‌های سطحی از طریق گذرها، برای پیشگیری از ایجاد مانداب، مسئله مهمی باشد.

در بدو امر مطالعه قنات‌هایی که آب آنها وارد شهر می‌شد و اینکه این آب به چه صورتی در شهر جریان می‌یافت، مد نظر است. کهن‌ترین اطلاع در این خصوص از «احمد بن ابی یعقوب» در سده سوم هجری قمری است: «و شرب اهالی شیراز از چشمه‌هایی است که در نهرهایی جریان دارد و از کوه‌هایی می‌آید که برف بر آنها می‌افتد». پس از آن، در دوره آل‌بویه قناتی به نام «گویم» ذکر شده است. گویا آب این قنات در محلی خارج از باروی شهر روی زمین ظاهر می‌شد و از آن نقطه به بعد به صورت نهر جریان می‌یافت و وارد شهر و کاخ عضالدوله دیلمی می‌شد. بعضی افراد که تا دوره قاجاریه شهر شیراز را دیده‌اند، از این نهرها سخن گفته‌اند؛ «ابن بطوطه» در سده هشتم هجری در سفرنامه خود چنین آورده است: پنج نهر از وسط شهر می‌گذرد، یکی از آنها نهر معروف رکن‌آباد است که آب شیرین و گوارایی دارد. تاورنیه در دوره صفوی در بازدیدش از شیراز

چنین آورده است: در شیراز دو بازار خوش ساخت دیده می‌شود که از وسط آنها نهر آب جاری می‌گذرد. وقف‌نامه‌ای از دوره صفویه مربوط به سال ۱۰۵۸ ق. نشان می‌دهد که آب قنات خیرات در آن دوره به صورت انهری در شهر جاری بوده است. در دوره زندیه متون و از جمله تاریخ گیتی‌گشای بر علاقه کریم‌خان به آب رکن‌آباد گواهی می‌دهند و گویا در این دوره آب مختصر این نهر به درون تنبوشه‌هایی به ارگ و عمارات وابسته راه می‌یافته است. «فرصت شیرازی» مؤلف «آثار عجم» و «حسن فسایی» مؤلف «فارسنامه» نیز در دوره قاجاریه انهار شیراز را برمی‌شمردند و بازدیدکنندگان شیراز در دوره قاجار، همه بر عبور سه نهر آب رکن‌آباد، آب قوامی و آب خیرات از داخل شهر اتفاق نظر داشته‌اند. «زرکوب شیرازی» در سده هشتم درباره مزایای آب رکن‌آباد چنین توضیح می‌دهد: بدان که مجموع صفات و خواصی که حکما و ارباب صنعت طب در شرح فضیلت آب اعتبار کرده‌اند، جمله در آب رکن‌آباد یافت می‌شود و از جمله شش خصلت که در کتاب کلیات و کتب دیگر معتبر داشته‌اند در این آب موجود است؛ اول آنکه از منبع دور افتاده، دوم، در ممری مکشوف می‌گذرد. سوم آنکه بر سنگ‌ریزه و زمین صلب گذار دارد، چهارم، حیوانات از هیچ جنس در این آب یافت نمی‌شود، پنجم، بر کنار جویبارش درخت انجیر و گردکان و کدو و آنچه مایه تغییر مزاج آب است نیست. ششم، از طرف اعلی بر سبیل انحدار به صوب اسفل روان است. همه این شواهد دال بر این واقعیت است که نظام آبرسانی اصلی شهر شیراز متشکل از نهرها یا جداولی بوده است که آب آنها از قنات‌های خارج شهر بود و در شهر جریان می‌یافت. نقشه توپوگرافی شیراز نشان می‌دهد که شهر تاریخی شیراز بر زمینی مسطح قرار گرفته و بیشترین اختلاف ارتفاع در بلندترین و پست‌ترین نقطه شهر از ۱۵ متر تجاوز نمی‌کند، ولی اگر از همین میزان شیب به درستی بهره برده شود، برای جریان آب بر روی زمین کافی است (نجار نجفی و لطیفیان، ۱۳۹۲).

در فارس، نزدیک اقلید در رودخانه‌ای یک چشمه آب است که مردمی که توانایی دارند از شیراز می‌آیند و از آن آب برمی‌دارند. از تنگ پیرون هم آب برمی‌دارند که آب کمی دارد. آب رکن‌آباد هم کمابیش خوب است ولی کم است. این آب نزد شیرازی‌ها به ویژه حافظ ارجمند بوده و کاری کرده که برای نمونه یک شاعر هندی یا پاکستانی در کنار رود گنگ یا سند می‌نشسته و حسرت آب رکن‌آباد می‌خورده است. در شیراز در گذشته آب از درودزن فارس آورده می‌شده است. در کنار آسیاب‌های خواجه، گذرگاهی بوده که آب آن از دامنه کوه سرچشمه می‌گرفته و به شیراز می‌آمده است (پیرنیا، ۱۳۸۷).

آبرسانی باغ

به جز مسئله دستیابی به آب از جاهای دور دست، رساندن این آب به همه جای باغ نیز، خود مسئله‌ای دیگر بوده که سازندگان باغ‌ها

درختانی با کارکردهای ویژه کاشته می‌شد. چنانچه اشاره شد برخی از درخت‌ها برای سایه‌اندازی بوده‌است که به آن‌ها پده یا پیاخ می‌گفتند، مانند سرو، کاج، نارون، افرا، ارغوان. از درخت‌های میوه‌دار از همه مهم‌تر درخت توت بوده‌است. دیگر درختان میوه‌دار، سیب، گلابی، آلو، آلوزرد، درخت‌های هلو و شفتالو بوده‌است. چون درخت هلو عمری محدود و چند ساله دارد، در میانه درخت‌های هلو، درخت‌های آلو سیاه و زرد می‌کاشتند. درخت انجیر را بیشتر در گوشه‌های باغ می‌کاشتند. درخت مو را در گونه‌های متفاوت مانند موی داربستی یا سواره، موی پیاده و موی خوابیده می‌کاشتند. درختان یادشده هرکدام جایی ویژه داشتند. در کنار دو جوی خیابان‌های سراسری، درختان سرو و کاج و شمشاد می‌نشانند. در زمین‌های رسی و شور خاک که چنار، خوب بار نمی‌آید، درختانی مانند تبریزی، زبان‌گنجشک، کبودار و سپیدار می‌کاشتند. پیرامون استخر را با درختان نارون، افرا، مو، بید، شوریده بید و ارغوان می‌پوشاندند و در کنار خیابان‌های فرعی توت برگی جای می‌گرفت. کرت‌های دو سوی خیابان‌های باغ بیشتر به گونه چهار تخته آرایش شده، با نهال‌های میوه پر می‌شد. در کرت‌های دورتر و پیرامون باغ، مو می‌کاشتند. خیابان کمربندی باغ و گوشه‌ها و در پناه دیوارها انجیر، سنجد و عناب کاشته می‌شد. در میان کرت برای پیش‌گیری از هرز رفتن آب اسپست می‌کاشتند؛ این گیاه گونه‌ای یونجه است ولی اسپست زنبور را نمی‌کشد و حشرات زیان‌بار را می‌کشد. هنگامی که برای خوراک زمستانی دام، اسپست را درو می‌کنند، باز هم چشم‌انداز یک چمن سبز و زیبا را برای بیننده پدید می‌آورد. در میان کرت، بوته‌های بلند چشم‌انداز یک چمن سبز و زیبا را برای بیننده پدید می‌آورد و بوته‌های بلند که چشم‌انداز ساختمان باغ را بپوشاند، کاشته نمی‌شد. گل‌ها نیز نقش ویژه‌ای در باغ‌ها داشته‌است، اما از همه گونه‌های آن بهره‌گیری نمی‌شد. چند گونه گل برای خاصیت‌هایشان بیشتر کاشته می‌شدند. مانند گل سرخ یا گل محمدی برای گلاب‌دهی که خاصیت طبی هم دارد. گل آتشی، گل زرد یا دورو و گل مشکیزه یا مشکیزه که گلی است کوچک و ریز، با عطری دل‌انگیز (پیرنیا، ۱۳۸۷).

باغ‌های دوران گذشته شیراز را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

• باغ‌های قدیمی شیراز که از بین رفته‌است:

۱. باغ اتابک، ۲. باغ اقبال‌آباد، ۳. باغ بالیوز، ۴. باغ بهجت‌آباد، ۵. باغ پادشاه کچل، ۶. باغ پودنک، ۷. باغ حبیب‌آباد، ۸. باغ خلدبرین، ۹. باغ خندق، ۱۰. باغ رشک‌بهشت، ۱۱. باغ زعفرانی، ۱۲. باغ زکی‌خانی، ۱۳. باغ شاه، ۱۴. باغ صبح‌آباد شمالی، ۱۵. باغ صبح‌آباد شرقی، ۱۶. باغ طغی، ۱۷. باغ عضدالدوله، ۱۸. باغ فردوس، ۱۹. باغ قتلغ، ۲۰. باغ قلعه شاهزاده‌بیگم، ۲۱. باغ کشمیری.

• باغ‌های قدیمی و تاریخی که قسمت‌های عمده آن‌ها از بین رفته ولی در این زمان آثار و قطعاتی از آن‌ها موجود است:

۱. باغ آقا باباخانی، ۲. باغ ابوالفتح خانی، ۳. باغ تخت قراچه، ۴. باغ

به خوبی آن را حل کرده‌اند. بدین‌گونه که آب قنات در جوی‌هایی بسامان شده و با گذر از جوی اصلی همچون شاه‌رگ اصلی باغ به جوی‌های فرعی راه پیدا می‌کرده‌است. این روش آبیاری مسلماً در طراحی باغ، تأثیرگذار بوده‌است. به گفته دیگر طراحی باغ بر اساس گذر آب و بخش‌بندی باغچه‌ها و راستاهای اصلی و فرعی انجام می‌شده‌است. برای نمونه در باغ «هفت‌تن» شیراز راستای اصلی در میان باغ است و باغچه‌ها و کرت‌ها در دو سوی آن و دو راه دیگر در کنار دیوارهای گرداگرد آن است. در باغ گلشن و باغ ارم در همین شهر، راستای اصلی، یکی است و راستاهای فرعی هم‌راستا یا عمود بر آن است. در باغ دلگشا نیز راستای اصلی در میانه آن است و راستاهایی نیز به موازات آن دارد.

شبکه آبرسانی در باغ‌ها به چند روش کار می‌کرده‌است. گاه آب از یک کاریز به دست می‌آمده و همه باغ را سیراب می‌کرده‌است، مانند باغ فین یا دلگشا یا باغ دولت‌آباد یزد یا قدمگاه نیشابور. افزون بر آن پیش‌بینی‌هایی هم شده بود که اگر به آب کاریز دست یافته نشد، از آب چاه بهره‌گیری شود (پیرنیا، ۱۳۸۷).

حرکت روان آب روی سطح زمین و هم‌جهت با شیب عمومی و منطبق با نظام ساختار هندسی، صورت خطی آب در باغ را پدید می‌آورد. گردش آب جوی‌ها درون کرت‌ها دائمی نیست بلکه با آبیاری هر کرت و غرق آب شدن آن، آب به سمت کرت بعدی سرازیر می‌شود. در حقیقت در کشور ما سیستم آبیاری کرت‌های درختان غرق‌آبی است و نه روان. اما آب در جوی‌های محور اصلی در پای درختان به صورت روان، همیشه عبور می‌کند و به نمایش در می‌آید. ذخیره آب در استخرهای بزرگ برای استفاده در فصول کم‌آب سال و سطوح وسیع آب در آن، آب را به صورت سطوحی قابل انعکاس نمایش می‌دهد. همچنین آب به صورت سطح یا صفحه‌ای افقی در حوض‌ها با عمق کم و با اشکال مختلف به ویژه مربع، مستطیل، چند ضلعی و دوازده‌ضلعی نیز نمایش داده شده‌است. در باغ‌های مستقر در زمین‌های شیب‌دار که معمولاً ترانس‌بندی شده‌است، آب در مسیر خود در محور اصلی با جریان یافتن روی سطوح سکوبندی شده باغ و ریزش از سکویی به سکوی دیگر نمایش زیبایی از آبشارهای کوچک را ارائه می‌کند، که معمولاً شکل عمودی آب را به نمایش می‌گذارد. صورت‌های شکلی، خطی، سطحی و حجمی آب، پاسخ دقیقی به نیازهای گوناگون آب در باغ ایرانی نیز به این علت است که کارکردهای گوناگونی دارد. نظام آب به هر دو نیاز آبیاری روان و غرق‌آبی متناسب هرگونه از درختان و گیاهان پاسخگو است و همچنین از آنجا که گردش آب در شهر، از باغ‌ها آغاز می‌شود، وظیفه انتقال آب پاک را دارد (شاهچراغی، ۱۳۸۹).

باغ‌های شیراز

هیچ‌گاه بی‌دلیل چیزی را نمی‌کاشتند. در باغ‌ها در هر بخش،



تصویر ۱. برخی از باغ‌های شیراز. مأخذ: نعیم، ۱۳۹۰.

درکی، ۵. باغ رحمت‌آباد، ۶. باغ سالاری، ۷. باغ شیخ، ۸. باغ صاحب اختیار، ۹. باغ صفا، ۱۰. باغ صمد آقا، ۱۱. باغ عطا الدوله، ۱۲. باغ فتح آباد.

• باغ‌های ارزشمند سده اخیر:

۱. باغ خلیلی، ۲. باغ ملی، ۳. باغ مینو.

• آبادترین باغ‌های شیراز در دوره حاضر:

۱. باغ ایلخانی (ارم)، ۲. باغ تکیه هفت‌تان، ۳. باغ جنت، ۴. باغ جهان‌نما، ۵. باغ دلگشا، ۶. باغ سلطان‌آباد، ۷. باغ سنقری، ۸. باغ قوام، ۹. باغ گلشن (عقیق‌آباد)، ۱۰. باغ ناری، ۱۱. باغ نظر، ۱۲. باغ نوایی (نعیم، ۱۳۹۰: ۹۲).

نتیجه‌گیری

با توجه به توضیحات قبلی و مشاهدات وضع موجود، سه مسیر عمده حرکت آب در شیراز دیده می‌شود؛ مسیری که از رکن‌آباد شروع می‌شود و تا مجموعه زندیه ادامه دارد. مسیر چشمه سعدی که پس از خود مجموعه، باغ دلگشا و حوالی آن را سیراب می‌کند و مسیری که از گویم (در شمال‌غربی شیراز) شروع شده و پس از آبیاری باغات قصرالدشت به شیراز می‌رسیده‌است. با توجه به منابع تاریخی، مسیر حدودی این سه آبراه در تصاویر ۵ تا ۷ آورده شده‌است. با توجه به پروفیل طولی آن‌ها، مشخص است محدوده رودخانه خشک، در ارتفاع نسبی پایین‌تری است، این نکته می‌تواند مؤید آن باشد که رودخانه خشک، نقش جمع‌کننده آب‌های سطحی شیراز را ایفا می‌کرده‌است.

در تصویر ۵، مشخص است که آب رکن‌آباد، قبل از رسیدن به دروازه قرآن، باغات غیررسمی را سیراب می‌کرده و پس از عبور از دروازه، به باغات رسمی، نظیر باغ جهان‌نما می‌رسیده‌است. سپس وارد شهر شده و پس از عبور از آن، به زمین‌های کشاورزی و بعد صیفی‌جات می‌رفته و در نهایت به رودخانه خشک می‌ریخته‌است. بنابراین مسیر زیر را طی می‌کرده‌است:

• باغات غیر رسمی، باغات رسمی، شهر، کشاورزی، صیفی‌جات، رودخانه خشک، دریاچه نمک.

به همین ترتیب، در تصویر ۶، آب چشمه سعدی به دلگشا رسیده و سپس وارد شهر می‌شده و در ادامه مسیر مشابه حالت قبل را طی می‌کرده‌است.

• باغات رسمی، شهر، کشاورزی، صیفی‌جات، رودخانه خشک، دریاچه نمک.

از آنجا که باغ ایرانی یک الگوی کامل و بی‌نقص در زمینه کشاورزی و زندگی بوده، در مقیاس‌های مختلف ایجاد شده‌است. این الگو آن چنان قدرتمند بوده که نه تنها خود باغ، بلکه شهر را نیز شکل داده‌است. این تأثیر در شهر شیراز بررسی شد و به‌راحتی می‌توان آن را در سایر شهرهای ایران نیز دید.

نتیجه بعدی نیز این خواهد بود که شهر شیراز، شهری محصور در دو مجموعه از باغ‌ها بوده‌است. مجموعه باغات شمالی و جنوبی شهر. ضمن اینکه مجموعه‌ای از باغات در سطح شهر نیز پراکنده بوده‌است (تصویر ۲).

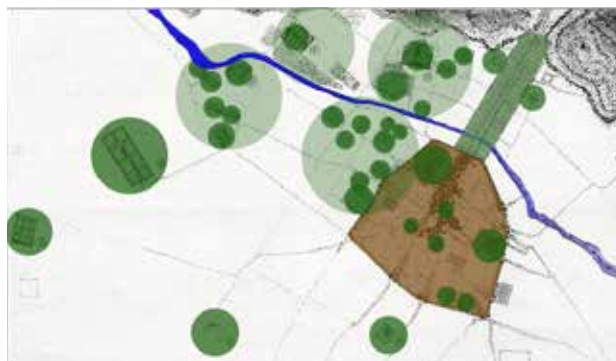
با توجه به موارد ذکر شده در مباحث قبلی، تأمین آب شیراز عمدتاً از طریق قنات و در مواردی از چشمه بوده‌است. به عنوان مثال قنات رکن‌آباد تا حدود مجموعه زندیه کشیده شده و آب این مجموعه را تأمین و یا آب چشمه سعدیه، باغ دلگشا را نیز سیراب می‌کرده‌است.

نکته بعدی، وجود تاکستان‌های بسیار در حوالی باغات است. بقایای این تاکستان‌ها تا همین اواخر در حوالی شهرک گلشن و پای کوه دراک موجود بود که با توسعه سطحی شهر از بین رفته‌است.

با توجه به موقعیت جغرافیایی شهر شیراز مطابق تصویر ۳، به این نکته می‌رسیم که شهر شیراز (شیراز قدیم) به‌طور کلی در دشتی محصور بین کوه‌هاست که اختلاف ارتفاع چندانی در این دشت دیده نمی‌شود. این اختلاف ارتفاع، هم در جهت شمالی- جنوبی است و هم در جهت شرقی غربی (مطابق جهت حرکت رودخانه خشک). در تصویر ۴ پروفیل طولی روخانه ترسیم شده که مؤید جهت شیب است.



تصویر ۳. پراکندگی باغ‌های موجود شیراز. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۲. پراکندگی باغ‌های شیراز. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۵. پروفیل طولی آبراه رکن آباد. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۴. پروفیل طولی رودخانه خشک. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۷. پروفیل طولی آبراه گویم. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۶. پروفیل طولی آبراه چشمه سعدی. مأخذ: نگارندگان.

• باغات رسمی عمدتاً به وسیله باغات غیررسمی احاطه شده‌است. نمونه موجود آن باغ عفیف‌آباد بوده که هنوز بخشی از باغات غیر رسمی اطراف آن موجود است.

• آبی که از منابع اصلی (مظهر قنات یا چشمه) خارج می‌شود به وسیله جوی‌هایی مطابق نمودار ۱ در سطح شهر تقسیم می‌شود و در نهایت به رودخانه خشک می‌ریزد.

• رودخانه خشک عمده آب باقیمانده از شهر و باغات اطراف را جمع می‌کند و به مزارع صیفی جات واقع در جنوب و شرق شهر می‌رساند که بعد از مصرف در این مزارع به دریاچه نمک منتهی می‌شود.

پس الگوی شهر شیراز را می‌توان این‌گونه بیان کرد: شهری مملو از باغ، که محصور در باغ است.

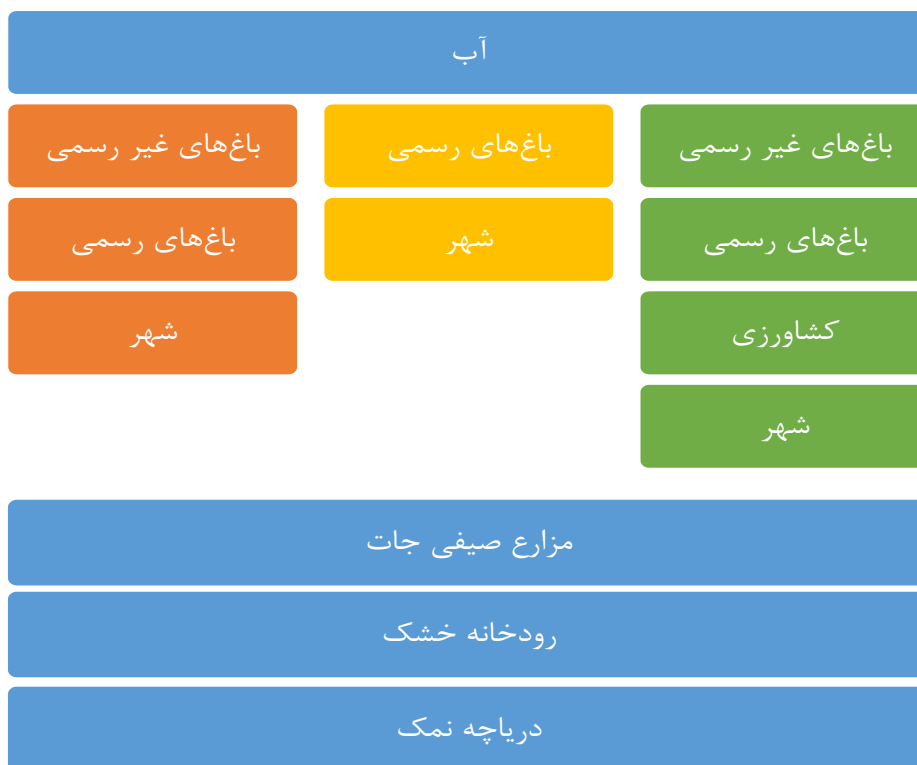
در تصویر ۷، آبراه گویم ترسیم شده‌است؛ به دلیل توسعه شهری در دهه‌های بعد، مسیر مشخص این آبراه، واضح نیست. ولی می‌توان حدود آن را تصور کرد؛ باغات قصرالدشت، باغات رسمی مثل باغ عفیف‌آباد، زمین‌های کشاورزی و شهر و در نهایت مسیر مشابه حالات قبل.

• باغات غیررسمی، باغات رسمی، کشاورزی، شهر، صیفی‌جات، رودخانه خشک، دریاچه نمک.

این موارد در نمودار ۱ آورده شده‌است.

در مورد الگوی ساختاری شهر شیراز به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

• آب رودخانه خشک برای شرب و آبیاری چندان مطلوب نبوده‌است.



نمودار ۱. ساختار باغ‌شهر شیراز از منبع آب تا دریاچه نمک. مأخذ: نگارندگان.

فهرست منابع

- پیرنیا، محمدکریم و معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۷). معماری / ایرانی. تهران: سروش دانش.
- شاهچراغی، آزاده. (۱۳۸۹). پارادایم‌های پردیس. تهران: جهاد دانشگاهی، واحد تهران.
- عرب‌سلغار، ندا. (۱۳۹۴). باغ به مثابه نهاد توسعه شهر توسعه
- باغ- محور شهر تاریخی شیراز. باغ نظر، (۳۳): ۸۲-۸۹.
- نجار نجفی، الناز و لطیفیان اصفهانی، طناز. (۱۳۹۲). ارتباط ساختار شهر تاریخی شیراز با شبکه آب مطالعه موردی: نهر قنات خیرات در سد هفتم تا چهاردهم. صفه، (۶۰): ۱۰۵-۱۱۸.
- نعیم، غلامرضا. (۱۳۹۰). باغ‌های ایران. تهران: پیام.